

مطبوعات و توسعه

تقی تفرشی

چکیده: ✦

رسیدن به توسعه و گریز از گردونه فقر در ابعاد مختلف یکی از مهم ترین آرزوها و آمال هر ملتی محسوب می شود، تجارب کشورهای توسعه یافته نشان می دهد سرانجام بیشتر آنها از طریق توسعه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، و ... به توسعه پایدار دست یافتند. در این راستا مراکز آموزش عالی در سطح آجا تلاش دارد به منظور ارتقاء سطح علمی و بینش کارکنان و با توجه به شناخت محیط ملی گامهای موثری را نظیر انتشار فصلنامه علوم و فنون نظامی بردارد.

کلید واژه: توسعه، رسانه های گروهی، مطبوعات، افکار عمومی

مقدمه:

بی شک حرکت به سوی هر تحول سازنده ای به خصوص توسعه، یک سری پیش زمینه های اخلاقی، ذهنی و فرهنگی را می طلبد تا افکار عمومی جامعه پشتیبان هر راهبرد به ویژه در مراحل اجرایی نباشد روند کار با دشواری مواجه خواهد شد. یکی از موارد بسیار مهمی که لازم است در راهبرد توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و صنعتی بیشتر به آن توجه شود نقش افکار عمومی و روند آماده سازی ذهنیت ها و شکل

گیری برخوردار عقلایی با مسایل است، بدون شناخت و تفکر عمیق، جدی و هدفمند، توسعه در همه زمینه ها اشاره شده غیرممکن است.

همچنین بدیهی است که بدون آگاهی و آمادگی افکار عمومی و فراهم شدن شرایط ذهنی برای تغییر و بهتر زیستن، موفقیت طرح های ملی امکان پذیر نخواهد بود، در فرایند توسعه متولی و تشکیلاتی را نیازمندیم که با عنوان پیشگامان یا بستر سازان توسعه یا با هر نام دیگر، افکار عمومی را آماده می سازند و هدایت روند توسعه و هماهنگی نهادهای مختلف دولتی، خصوصی و هماهنگی های مختلف را در حمایت از راهبرد به عهده می گیرند. به هر حال کلید اصلی توسعه در هر جامعه ای در دست مدیریت آن جامعه است. مدیریت باید خود را توانمند کند و زمینه ها و الزامات را برای هر تحولی فراهم آورد. جامعه، افکار عمومی و اذهان را آماده کند و با انتخاب راه های صحیح و با تفکر، عمل و اصلاح مداوم و هوشمندانه جامعه را به سوی توسعه حرکت دهد.

تعریف توسعه : عبارت از رشد کمی و کیفی امکانات مادی و رفاه جامعه است . توسعه واقعی مادی و ذهنی است که در ابعاد مختلف زندگی اعم از اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی اثرات مشخصی بر جای می گذارد .

شاخص های توسعه

این واقعیت که غالب محققین و نویسندگان پیرامون بحث توسعه از اقتصاددانان بوده اند ، شاخصهای توسعه یافتگی نیز بیشتر مادی و کمی و بدون توجه به اخلاق ، خلیات ، روحیات و ارزشهای انسانی بوده است .

اهداف اساسی توسعه که غالبا به عنوان اصول پذیرفته شده و مورد قبول از آنها یاد می شود عبارتند از :

الف - افزایش امکانات و مواد مصرفی در زمینه های غذا ، مسکن ، بهداشت و اشتغال

ب - دسترسی بیشتر و بالاتر به موضوعات و نیازهای روحی و روانی مانند آموزش ، آزادی های سیاسی - اجتماعی ، تامین حقوق فردی و اجتماعی .

ج - کسب موقعیت ها و برتری سیاسی و بین المللی و جلب احترام ملیتهای دیگر و همچنین برخورداری از امنیت اجتماعی و اقتصادی در حد بالای خود .

برای فهم بهتر توسعه و تبدیل امور کیفی و معنوی به امور کمی و محسوس و ملموس و تبیین وضعیت کشورهای مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر ، مواردی به عنوان ((شاخص های توسعه)) معرفی شده اند . هرچند این بحث از جهات متعددی مورد مناقشه قرار گرفته ، ولی برای اطلاع از نظرات رایج و مقایسه با دیدگاه های الهی - توحیدی اسلام ، به طور اختصار به آنها اشاره می شود .

- ۱- درآمد سرانه
- ۲- ساختار توزیع درآمد
- ۳- امید به زندگی (عمر متوسط) Life expectancy
- ۴- ساختار جمعیتی (از نظر کیفی)
- ۵- ساختار نیروی کار
- ۶- مصرف سرانه انرژی !
- ۷- درصد باسواد و میزان بودجه آموزش
- ۸- نرخ رشد تولید ناخالص ملی
- ۹- تعداد پزشک ، تخت بیمارستانی، افراد متخصص
- ۱۰- نرخ زاد و ولد و مرگ و میر

۱۱- میزان مراکز علمی، تحقیقاتی و پژوهشی

۱۲- کارخانجات صنعتی و تولیدی

همانگونه که ملاحظه می شود نه تنها این شاخص ها و نظائر آن نمی تواند گویای واقعی توسعه یافتگی و توسعه واقعی باشد، بلکه هر یک از آنها نیز دارای ابهامات متعددی است که به سادگی نمی توان روشن کرد و پاسخ گفت .

مهم ترین اشکال این شاخص ها روشن نبودن مبنا و زمان سنجش است . به عبارت دیگر مرز توسعه و عدم توسعه مشخص نمی باشد .

به هر حال علی رغم توجه و اهمیت فوق العاده ای که در سطح بین المللی به این موضوع داده شده است ، همچنان ابهامات زیادی وجود دارد که غالباً مورد بهره برداری و سوء استفاده استکبار جهانی قرار می گیرد . (منصوری ، ۱۳۷۴ : ۱۵۴-۱۵۲)

توسعه سیاسی

توسعه سیاسی از مفاهیمی است که پس از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه مطرح شده است و حوزه بحث مهمی را در علوم سیاسی و جامعه شناسی سیاسی تشکیل می دهد . در ارتباط با فضای مفهومی این واژه ، دیدگاه های مختلفی وجود دارد . توسعه سیاسی به نظر برخی از افراد ، شرایط سیاسی لازم و اساسی ای برای توسعه اقتصادی و صنعتی است . بدین ترتیب توسعه سیاسی، ایجاد شرایط سیاسی و حکومتی لازم برای تحقق کارآیی اقتصادی بیشتر است . مفهوم دیگری از توسعه سیاسی، تأکیدی است که بر کارایی حکومت تأثیر می گذارد و از همین

رو توسعه با افزایش در کارایی اجرایی و ظرفیت بیشتر در انجام سیاست های عمومی همراه می شود. همین مفهوم از توسعه بیشترین همراهی را با اداره حکومت توسط استعمار داشته و توجه آن به توسعه معقول و دیوانسالار معطوف بوده است. سومین تعریف دیگر توسعه سیاسی به تبعیت از نظریه پردازان بزرگ اجتماعی مطرح شده و با درجه توسعه بر حسب میزانی که الگوهای رفتاری نوین بر الگوهای رفتاری "سنتی" پیشی می گیرند، ارتباط پیدا می کند. بدین ترتیب توسعه هنگامی محقق می شود که ملاحظات به دست آمده، جای استانداردهای معمول را بگیرد، تمرکز کارکردی به جای از هم گسیختگی کارکردی در روابط اجتماعی بنشیند و هنجارهای کلی جای هنجارهای ویژه را اشغال کند. مفهوم چهارم توسعه سیاسی با آزمون کارایی کلی همه نظام و ظرفیت اداره حکومت و جامعه به عنوان یک کل همراه است و در دیدگاه پنجم، توسعه سیاسی را به ایجاد یک دولت - ملت (نیشین - استیت)^۱ با کارایی مؤثر در دنیای نوین تعریف می کنند (لوسین پای، ترجمه مجیدی، ۱۳۷۰: ۴۱).

به نظر لوسین پای^۲ که از صاحب نظران بنام توسعه سیاسی است، توسعه سیاسی حداقل در ده معنای مختلف زیر به کار برده شده است، آنها به ترتیب عبارتند از:

استلزامات سیاسی توسعه اقتصادی

سیاست نمونه جامع سنتی

نوگرایی سیاسی

عملکرد ملت - کشور

توسعه اقتصادی - اداری
 بسیج عمومی و مشارکت همگانی
 استقرار دموکراسی
 تغییر و تحول منظم و با ثبات

بسیج و قدرت (سیف زاده ، ۱۳۶۰ : ۶۸)

همچنین لوسین پای از توسعه سیاسی به عنوان تقویت کننده ارزش‌های دموکراسی نظام سرمایه داری غرب یاد می کند و مشارکت توده‌ای ، وجود نظام های چند حزبی ، رقابت های انتخاباتی ، ثبات سیاسی و پرهیز از تنش در ساختار سیاسی را به عنوان شاخص های توسعه سیاسی می‌شناسد . مارتین لیپست^۱ توسعه اقتصادی و مشروعیت سیاسی را به عنوان شرایط لازم برای تحقق توسعه سیاسی در نظر می گیرد و تحقق این شرایط را ناشی از نظام طبقاتی باز ، سطح بالای صنعتی شدن و فراگیر بودن آموزش و پرورش عمومی می‌داند . گابریل آلموند^۲ نیز تبدیل دموکراسی به یک نهاد ساخت یافته ، بسیج عمومی و گسترش جامعه مدنی را از شرایط تحقق توسعه سیاسی می داند .

در مجموع توسعه سیاسی فرآیندی است که زمینه لازم را برای نهادینه کردن شکل و مشارکت سیاسی فراهم می کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است . (از کیا ، ۱۳۷۷ : ۲۱-۲۰)

نقش مطبوعات در توسعه ملی ایران

هم رسانه ها ، و به معنای خاص آن مطبوعات ، و هم توسعه در ادبیات علوم اجتماعی کنونی جامعه جایگاه ویژه ای دارند . اگر یک تقسیم بندی ابتدایی را در مورد این دو مقوله بپذیریم ، اولی نقش ابزاری

1- Martin lispet

2- Gabriel Almond

دارد و دومی یکی از اهداف عمده اجتماعی تلقی می شود . طبعاً می توان حول این دو مقوله و چگونگی ارتباط میان آنها پرسشهایی را مطرح کرد . پرسشهایی از قبیل توسعه ملی چیست ؟ موانع آن در ایران کدام است ؟ تحقق آن از چه مسیرهایی ممکن است ؟ توسعه چه تحولی را در رسانه ها ایجاد می کند ؟ نقش رسانه ها به ویژه مطبوعات به عنوان یک ابزار در تحقق توسعه ملی چگونه است ؟ و الی آخر .

۱- توسعه ملی

ظاهراً به نظر می رسد که محقق کردن «توسعه» نه تنها یک هدف و مطلوب برای کشورهای در حال توسعه تلقی می شود ، بلکه به عنوان ضرورتی انکار ناپذیر نیز جلوه گر است ، که در صورت عدم تحقق آن ، بقای جوامع با مخاطره جدی مواجه می شود .

از سوی دیگر توسعه جز در قالب «ملی» معنا و مفهوم واقعی ندارد ، زیرا که واحدهای شناخته شده بین المللی که در تعامل و داد و ستد با یکدیگرند ، واحدهای «ملی» هستند ، و اگر برنامه هایی برای توسعه «منطقه ای» (کوچکتر یا بزرگتر از توسعه «توسعه ملی») نیز به اجرا درآید ، صرفاً پس از تایید یا موافقت واحد «ملی» قابل اجراست ، زیرا واحدهای تصمیم گیری مشروع و قانونی «واحدهای ملی» هستند . به همین دلیل ضرورتاً می بایست از قید «ملی» در عنوان «توسعه» سود جست ، تا بدین وسیله بر شرایط و زمینه های متفاوت و مرتبط «واحدهای ملی» با مقوله توسعه تاکید گردد و به طور ضمنی نیز تصریح می شود که «توسعه» در عین آنکه می تواند تعریف و معنای واحدی داشته باشد ، ولی به لحاظ گوناگونی های «واحدهای ملی» الزاماً یک سیاست گزاری عام که تمام کشورها را شامل شود ندارد ، بلکه هر نوع

قضاوت نسبت به یک عمل یا فرآیند توسعه ای صرفاً در ارتباط با شرایط محیطی «واحد ملی» امکان پذیر و دارای معناست .

به همین دلیل در مورد ایران نیز می باید ابتدا معنا و مفهوم اصلی «توسعه ملی» در این مرحله تاریخی را روشن کرد و توضیح داد که تنگناهای اصلی آن کدام است ، سپس به نقش مطبوعات در رفع این تنگناها و کمک به معضل توسعه پرداخت .

«توسعه ملی» دارای وجوه گوناگون اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی است و طبعاً هر نوع تعریف کلانی که از «توسعه» شود ، ساختار و رفتار متناظری را در وجوه چهارگانه فوق می یابد برای آن تعریف کرد . و اگر یکی از وجوه مذکور بنا به دلایلی خود را با شرایط پیشرفته وجوه دیگر انطباق ندهد ، توسعه نا همگون یا نامتوازن به وقوع می پیوندد که به عدم تعادل اجتماعی منجر و جامعه دچار مشکل می شود .

۲- تنگناهای توسعه ملی ایران

توسعه ملی روندی هماهنگ و نسبتاً مشخص است که اجزای گوناگون جامعه طی می کنند ، مثلاً تحول در گستره شهرنشینی در صورتی که همراه با تحولات اجتماعی دیگر مثل افزایش تحصیلات یا تامین اجتماعی نباشد ، بی ثباتی و عدم تعادل را در جامعه ایجاد خواهد کرد .

شاخصهای توسعه ملی ایران در وجوه فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی طی یک قرن اخیر تحولات چشمگیری را نشان می دهد . جامعه ایران در ابتدای قرن با جامعه پایان قرن تقریباً قابل مقایسه نیست . میزان سواد از حدود صفر علی القاعده به حدود ۸۰ درصد افزایش یافته است . شهرنشینی از حول و حوش ۱۵-۱۰ درصد بالای ۶۰ درصد رسیده

است . مشارکت اجتماعی و تقاضا برای آن از جمله از طرف زنان بسیار زیادتر شده است . در آمد ملی و صنعتی و ماشینی شدن تولید قابل مقایسه با گذشته نیست . ساختار خانواده ، ساختار اجتماعی روستا ، تغییرات به وجود آمده در تامین اجتماعی و بهداشت عمومی و ارتباطات ، ایران پایان قرن را از ایران ابتدای قرن کاملا متمایز می کند . این سیاهه از تحولات را می توان همچنان تکمیل کرد ، به گونه ای که اگر تصویر ابتدای قرن ایران را با تصویر پایان قرن آن مقایسه کنیم ظاهرا هیچ تشابهی وجود ندارد . از نحوه لباس پوشیدن و غذا خوردن گرفته تا سیمای ظاهری شهر و روستا و حتی اندیشه مذهبی نیز دچار تحول و تغییر اساسی گردیده است .

علی رغم این واقعیت آشکار ، چنین احساس می شود که از نظر نخبگان و صاحب نظران ، گره و تنگنای توسعه ملی ایران همچنان باز نشده است . علت چنین تصویری در یک وجه اشتراک اساسی ایران در ابتدای قرن تا پایان قرن است . مساله اصلی مشترک در هر دو برهه، پس افتادگی ساخت سیاسی است . در حقیقت ساختار سیاسی ایران طی یک قرن اخیر متناسب با دیگر ساختارهای جامعه متحول نشده است . بنابر این رسانه (مطبوعات) می توانند در توسعه ملی ایران موثر باشد .

نظریه نوسازی انسان لرنر :

یکی از معروفترین مطالعات اولیه در مورد نوسازی ، توسط دانیل لرنر (Daniel Lerner, 1958) انجام شد . او در کتاب ((گذر از جامعه سنتی)) فرآیند نوسازی را در چندین کشور خاورمیانه بررسی کرد ، به طوری که یک تحقیق نمونه ای را در کشورهای غیر پیشرفته انجام داد و نهایتا کلیه مشاهدات خود را از جامعه روستا مطرح نمود .

در این مطالعه ، لرنر بیشتر متوجه رابطه سه متغیر مشارکت ، تحرک روانی و توسعه است . او در واقع مشارکت را علت پیدایی

ویروس ذهنی و تحرک روانی در جامعه می داند . به نظر او با ایجاد تحرک روانی می توان به ساخت شخصیت پویا و فعال با قدرت انطباق ، ابتکار و نوآوری نایل آمد .

لرنر بدوا به مکانیسم افزایش مشارکت در جامعه که منجر به تحرک روانی می گردد اشاره دارد . او در مطالعه ای که در شش کشور خاورمیانه از جمله ایران انجام داد بین متغیرهای شهرنشینی، سواد، مشارکت و دسترسی به رسانه ها ارتباط معنی دار و نزدیکی یافت . به نظر او نوسازی با این چهار متغیر وابسته و مرتبط ارتباط است . به نظر لرنر سه متغیر شهرنشینی ، گسترش سواد و دسترسی به رسانه ها قابل اندازه گیری است در حالی که متغیر مشارکت تا حدی ذهنی است و اندازه گیری آن مشکل است . به عقیده لرنر جامعه جدید، جامعه مشارکتی تا حدی ذهنی است و اندازه گیری آن مشکل است . به عقیده لرنر جامعه جدید جامعه مشارکتی یا جامعه مشارکت جو است و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به جامعه مشارکتی است . مشارکت در زمینه سیاسی به صورت شرکت در انتخابات ، در زمینه اقتصادی به صورت فعالیت در بازار و افزایش درآمد و مشارکت فرهنگی به صورت استفاده از رسانه ها و مشارکت روانی به صورت همدلی و تحرک روانی جلوه می کند . به عقیده لرنر تحول جامعه غیر مشارکتی به جامعه مشارکتی ، دارای پیام منظم تغییر در سه جنبه است :

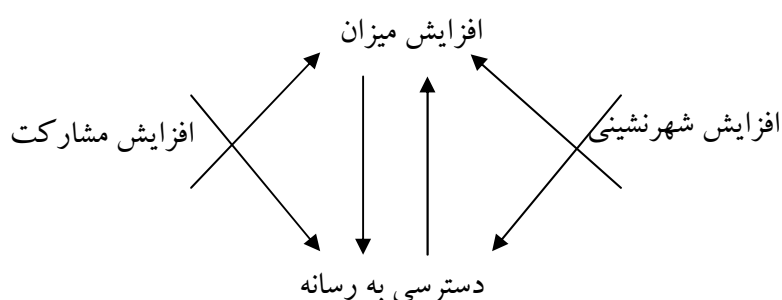
۱- شهرنشینی افزایش می یابد .

۲- این امر خود منجر به توسعه سواد می گردد .

۳- و متعاقبا دسترسی به رسانه ها را گسترش می دهد .

از نظر لرنر بین دو متغیر سواد و دسترسی به رسانه رابطه متقابلی است . به طوری که سواد، رسانه ها را گسترش می دهد و رسانه ها به نوبه خود به توسعه و عمومی شدن آن کمک می

کنند . با توسعه صنعتی و تکنولوژیکی جامعه شروع به تولید روزنامه ، ایجاد شبکه های رادیویی و تلویزیونی و ایجاد سینما در مقیاس انبوه و وسیع می نماید که این امر خود سواد را نیز توسعه می دهد . لرنر این چند متغیر را این گونه نمایش می دهد:



در نظریه لرنر چهار متغیر که شاخص های مدرنیته هستند ، دارای رابطه و کارکردی هماهنگ و متعادل اند ، به طوری که هرگونه عدم تعادل بین آنها منجر به ایجاد بی سازمانی و بی ثباتی در جامعه می گردد . او با مقایسه میزان شهرنشینی و سواد در ترکیه و مصر نتیجه می گیرد ، با آنکه شهرنشینی در مصر بیش از ترکیه است ، ولی به دلیل اینکه میزان سواد پائین است ، این کشور مبانی لازم برای مدرن شدن را ندارد . در ترکیه هم شاخص های چندگانه مدرنیسم به صورت هماهنگ توسعه یافته و افزایش مشارکت در انتخابات با افزایش سواد و رشد شهرنشینی متعادل است . در مصر بی سوادان مهاجر مقیم شهرها که اغلب روستایی هستند منبع بحران ها و بی ثباتی های سیاسی و اقتصادی و مخاطبان مستعدی برای جنبش های افراطی هستند .

لرنر همچنین رابطه سه نوع انسان سنتی، در حال گذر و مدرن را با چهار متغیر نوسازی بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که هرچه از نوع شخصیت سنتی به طرف متجدد و مدرن حرکت می‌کنیم همبستگی آنها با ۴ عامل (متغیر) سواد، شهرنشینی، استفاده از رسانه‌ها و مشارکت زیاد می‌شود:

مشارکت	دسترسی به رسانه‌ها	شهرنشینی	سواد	نوع شخصیت
+	+	+	+	متجدد
+	+	+	-	در حال گذار الف
+	+	-	-	در حال گذار ب
+	-	-	-	در حال گذار ج
-	-	-	-	سنتی

نتیجه:

برای تحقق توسعه در یک جامعه، ایجاد و تقویت نهادهای پانزده گانه زیر ضروری قلمداد شده است که به اختصار در جدول زیر نمایش داده شده‌اند.

ویژگی‌های اصلی توسعه‌ای لازم	نام نهاد	ردیف
مشروعیت علم در امور علمی، مشروعیت آرای عمومی در امور غیر علمی، محدودیت دخالت‌های دولت، عدم تمرکز در تصمیم‌گیریها، مشارکت خلاق، واقعی و شکوفای مردم	نهاد حکومتی متکی بر دموکراسی	۱
مستقل از دولت، مقتدر، قانونمند، کارآ، سریع، ارزان، در دسترس عموم	نهاد قضایی پاسدار حریم آزادیهای مردم	۲
مستقل از دولت، معتبر، متنوع، فراگیر، آزاد	رسانه‌های جمعی	۳
مستقل از دولت، معتبر، در اختیار صاحبان استعداد	دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی	۴
مستقل از دولت، متنوع، فراگیر	احزاب سیاسی	۵

۶	مؤسسات نظریه پردازی مجامع علمی و مؤسسات تحقیقاتی	محل پرورش نوآوران سیاسی (سیاستمداران خبره)، مستقل از دولت، متنوع، آزاد و فقط محدود به حدود علم، محل پرورش دانشمندان
۷	مؤسسات پژوهشهای کاربردی (D.R)	مستقل از دولت، متنوع، فراگیر، محل پرورش نوآوران فنی(مخترعین)
۸	مجامع و تشکیلات صنعتی، تولید شرکتهای سرمایه گذاری	مستقل از دولت، متنوع، دارای قدرت، محل پرورش نوآوران اقتصادی
۹	ساختار بودجه دولت	متکی بر تولید اقتصادی جامعه، متکی بر کار مردم، قانونمند، متکی بر نگرش آینده نگری و مدیریت علمی - فنی
۱۰	نظام آموزشی عمومی	فراگیر، متکی بر هدف اصلی پرورش انسانهای نو و اجتماعی کردن انسانها، رایگان برای عموم، متکی بر نیروی انسانی ویژه و فضاهای آموزشی مناسب
۱۱	نظام آموزش فنی حرفه ای	فراگیر، در ارتباط مستقیم با بافت اقتصادی جامعه، محل عرضه نیروی انسانی ماهر
۱۲	زیرساختهای اقتصادی	شبکه بانکی گسترده، بازار سرمایه، مهار منابع آب و خاک، شبکه تامین انرژی، تجهیزات وسیع تولیدی، پذیرفته بودن پیگیری سود در امور اقتصادی...
۱۳	زیرساختهای اجتماعی	نظام حمایتهای اجتماعی معقول و فراگیر، نظام بیمه های اجتماعی فراگیر، نظام بیمه های فردی فراگیر
۱۴	نظام تشنج زدایی از روابط خارجی	سیاست خارجی معقول، نیروهای دفاعی کافی، اتحادیه‌ها و پیوندهای منطقه ای اقتصادی قوی، پیوندهای فرهنگی گسترده
۱۵	نظام پیوستگی اقتصاد در جهان	عضویت موثر در سازمانهای بین المللی، نظام گمرکی نسبتاً باز، نظام حمایتهای اقتصادی مناسب

فهرست منابع

- ۱- مهدی زاده، سید محمد، مطبوعات و توسعه سیاسی، دومین سمینار بررسی مسایل مطبوعات ایران، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۱۳۷۷
- ۲- ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه، موسسه نشر کلمه تهران، ۱۳۷۷
- ۳- علوی، پرویز، ارتباطات سیاسی، ارتباطات توسعه و مشارکت سیاسی، موسسه نشر علوم، تهران، ۱۳۷۵
- ۴- عظیمی، محمد حسین، سلسله مقالات، الزامات توسعه، ۱۳۸۳

فصلنامه
پژوهشی
آموزشی

سال دوم
شماره ۳